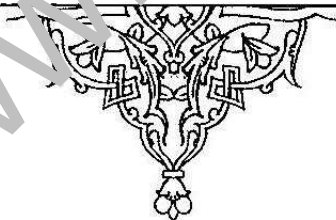


# گنجینه الاسرار

عمّان سامانی

به ضمیمه دوازده بنام محترم کاشانی



با مقابله و تصحیح:

محمد علی لسانی فشارکی

سرشناسه: عمان سامانی، نورالله بن عبدالله، قرن ۱۳ق.  
عنوان و نام پدیدآور: گنجینه الاسرار / عمان سامانی. به ضمیمه دوازده بند / محتشم کاشانی.  
مشخصات نشر: تهران: انتشارات ۱۱۴ [صد و چهارده]، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۸۳ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۳۱۸-۲-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

عنوان دیگر: دوازده بند.

موضوع: شعر عرفانی فارسی -- قرن ۱۳ق.

موضوع: 19th century -- Sufi poetry, Persian

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۳ق.

موضوع: 19th century -- Persian poetry

موضوع: مذهب فارسی -- قرن ۱۳ق.

موضوع: 19th century -- Religious poetry, Persian

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۳ق.

موضوع: 16th century Persian poetry

شناسه افزوده: محمد علی بن محمد - ۹۹۶ق.

شناسه افزوده: لسانی، محمد علی، ۱۳۲۰ - مصحح

رده بندی کنگره: ۵۹۱۳۹۶ / ۴۱ PIRV

رده بندی دیویی: ۸۵۱/۵

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۴۶۱۷۷

عنوان کتاب: ..... گنجینه الاسرار؛ به ضمیمه دوازده بند محتشم کاشانی

تصحیح و مقابله: ..... محمد علی لسانی فشارکی

ناشر: ..... نشر ۱۱۴

با همکاری فنی: ..... مؤسسه فرهنگی هنر، کادین نشر و ترویج زبان قرآن

صفحه آرای: ..... تصویر، شرکت توسلی

طراح جلد: ..... سید کارگری

شمارگان: ..... ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ..... ۱۱۵۰۰ تومان

نوبت چاپ: ..... اول - ۱۳۹۶

تعداد صفحه و قطع: ..... ۸۳ صفحه - وزیری

شابک: ..... ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۳۱۸-۲-۱

## دیباچه

معشوق مطلقى را حمد و ستایش سزااست جلّ جلاله که تمام موجودات عاشق مقید اویند. همه ادوات که می‌پویند و وصل اوست که می‌جویند و حمد اوست می‌گویند: و ان من شىء الا یسبح بحمده. هر برگى از دفتر معرفتش آیتی است و هر گیاهى دیدارى وحدتش فراشته رایتی. با این همه، عالمی متفکران اند و جهانی به دیانت حیرت نگران؛ چه، هر چه جهد بیش بنمایند و بیشتر گرایند منزل مقصود دورتر شود و دیده معرفت بی‌نورتر.

دردا که ما ز مقصد خود دورتر شدیم      نزدیکتر هر آنچه بنادیم گام را  
کمترین نعل بهایش جان و دل باختن است، و کیهترین روی نمایش از  
همه پرداختن و خانمان برانداختن.

همه جان خواهد از عشاق مشتاق      ندارد سنگ کم اندر ترازو  
سبحان الله. درازدستی این کوتاه آستینان بین. عقل ناقص را چه مایه  
که از این مطلب سخن گوید؟ و هم عاجز را چه پایه که در تمنای این مقصد  
پوید؟ دانایان این نشئه همه با حیرت نادانی خفتند؛ بلکه آنان که «لولاک»  
شنیدند جز «ما عرفناک» نگفتند. سبحانک لا تحصى ثناءً علیک، انت کما

أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ.

ای دل اهل ارادت به تو شاد به تو نازم که مریدی و مراد

\*\*\*

گر سیر کعبه و دیر ور خانقاه کردم  
غیر از تو کس ندیدم هر جا نگاه کردم  
قصده مرادم از سیر روی تو بود لاغیر  
گر سیر کعبه و دیر ور خانقاه کردم  
اثبات وحدت تو موقوف بُد به اِلّا  
تا نفی ما سوی را با لا اِلاه کردم  
جز دوی انا الحق نشنیدم از گیاهی  
گوش دل از حقیقت بر هر گیاه کردم

و بر دو نمندگان راه و معتکفان مسجد و خانقاه او نعت فراوان و درود  
بی پایان تحفه و نیاز داد که طالبان وصل او را مُفتیان طریق و شرع‌اند، و  
شجره دین مبینش را حاکمان اصل و فرع. به هم متحد همچو شیر و شکر.  
یکی رهسپاران بیداری عدل را فاتحه و خاتمه مهارکشان است، و دیگری  
جانسپاران میدان عشق را مشأی بس علقه قطارکشان. این یک را شق قمر  
و معجز به گیتی سمر تعلیم مریدان آگاه را مجمل علامتی که «بهذه تأدب  
ابدال الحقیقة»، و آن یک را ردّ شمس و تبدیل غد به امس ارشاد سالکان راه  
را مختصر کرامتی که «تَرْبِي بِهَا اَطْفَالُ الطَّرِيقَةِ».

محمّد مُلک دین را زینت و زین کمان ابروی بزم قاب قوسین  
علی مقصود جزء و مقصد کُل به ذیل جملہ را دست تو سُل  
و اولاد نامی و احفاد گرامی ایشان جهان هدایت را سلطان دار المُلک،  
و نجات عاصیان را از غرقاب ضلالت محکمترین مُلک اند؛ و قُدوة اصحاب  
دین اند، و قبله ارباب یقین. صلوات الله علیهم اجمعین.

اما بعد، چنین گوید این مدّاح دولت ابد مدّت، و دعاگوی سلطنت  
قوی شوکت، غلام آستان آل احمد مختار، نورالله المتخلّص به عَمّان  
السامانی من مضافات اصفهان که مدّتی در طریق سلوک بسر برده؛ گاهی  
از راه مجاهدت مشاهداتی، و از روی ریاضت استفاضاتی، در مراتب توحید،  
و رسومات تفرید و تجرید، و قانون صاحبان راز، و مقامات عاشقان جانباز،

دست می‌داد. پاره‌ای از آنها را منظوماً محفوظ خاطر و مسوّدۀ اوراق نموده، فراغ بالی و جمعیت خیالی که باعث جمع آن تفریق و سبب التیام آن تخریق بوده باشد میسر نمی‌شد، و شفیقان مشتاق، و رفیقان صافی مذاق را در اتمام و انجام آن اصرار تمام و ابرام مالا کلام می‌رفت؛ تا در این سال فرخ که یک هزار و سیصد و پنج از هجرت نبوی، صلی الله علیه و علی دینه القوی، است، گنارم در دارالسلطنۀ اصفهان ارم‌نشان افتاده، در ایام مجاورت، وقتی با رئیس خواجه‌سرایان آغاسلیمان خان حفظه الله من آفات الزمان [دیداری] اتفاق افتاد. اندک آنی در جمیع صفات انسانی، و طینتی از صدق و صفا سرشته، جامع جمیع صفات انسانی، و محبوب و مطبوع اقاصی و آدانی، از کمال ملاطفت و مهربانی اش در حریت مانده، به مناسبت این شعر را فروخواندم: چشم مسافر چو بر جمال تو افتد عزم رحیلش بدل شود به اقامت

روزی در اثنای محاوره با یک مسوّدۀ فیهود: مژده که مثنویانت در آستان حضرت خامس آل عبا علیه آلاف التحية و الثناء، مقبول و به شرف قبول موصول گشت؛ کجا شرمه‌ای از آن اشعار خاطر خاطر کریمه حجر عصمت و عقیقه سراق عظمت را مسموع گشته مصبوع افتاد! امر شد دریغ است که این چنین گنجینه اسرار و مخزن لئالی شاهوار در پس پرده استتار و مخفی از مسامع و آنظار بماند؛ طبعش کن و انتشارش در دست این عروس روی از پرده اختفا بنماید، و اهل دانش را از شنیدن و خواندنش احتیاطی کامل حاصل آید؛ چه شکر نعمت حضرت باری و موهبت‌های حق را حق‌گزاری موقوف به اظهارداشتن و منوط به پرده‌نگذاشتن است. دیگر بزرگان گفته اند:

فضل و هنر ضایع است تا ننمایند عود بر آتش نهند و مُشگ بسایند

همان به که این نقود عالی و عقود لئالی را مجموعه پردازی، و دیباچه آن را به القاب خاص پرستاران کریمۀ عصر که ذکر محمّد و مکرمت ایشان بیرون از حدّ و حصر است موشح و مزین‌سازی، خاتونی که اعلیحضرت

شهریار عجم، وارث تخت کبی و حارس مُلک جَم، کیقباد زمان و زمین،  
اسکندر تاج سلیمان نگیں.

شاه آزاده خسرو عادل      داورِ اُبردستِ دریادل

السلطان بن السلطان ناصرالدین شاه غازي ادام الله ملكه را زبده  
خواتین کرام، و حضرت مستطاب ارفع اشرف اسعد امجد والا المسعود  
حضرت ظل السلطان دامت شوکتہ را فرخنده مام است. بانویی که در مرتبہ  
عصمت تالی مریم عمرانی، و درجہ زهد و تقوا را رابعہ ثانی است. همواره در  
تشویق عارفان سخن سنج و ترغیب شاعران به صله و دندان رنج مردانه رغبتی  
و شاهانه همتی داشت. آرجو که به یمن این نسبت بلند، و شرافت ارجمند،  
صیت این سیمرغ روشن بین، شهره قاف تا قاف شود، و ذکر این گنج  
خلوت گزین بیرون از حد است. لهذا، امثال را همت گماشته، نامه گرفته،  
خامه برداشته، بسی بر نیامده که مفرقات چندین ساله را مرتباً در یک رساله  
جمع آورده، به مثنوی گنجینه الاسرارش موسوم کردیم. امید از کرم  
بزرگان آنکه چشم از معایب پریشان گوئی اش، پوشند و در ابراز و اظهار قبایح  
آن نکوشند. و من الله التوفیق و علیہ التّوکل.